



۲۰۱۶/۰۹/۰۶



حمید انوری

از زاویه دیگر

از مقدمه نویسی و حاشیه روی که بگذریم و به چند و چون قضیه هم کاری نداشته باشیم تا مبدا طبق روال معمول در جامعه جنگ زده ما، تاپه بر پیشانی ما زنند و چپ و راست سخنان مفت بار ما کنند، هرچند دگر با چنین بی مسئولیتی ها خو گرفته ایم و باکی نیست، میپردازم به اصل قضیه که همانا خاکسپاری مجدد آنچه از اجساد "امیر حبیب الله کلکانی" و همراهان وی بعد از ۸۷ سال باقی است، البته از یک زاویه دیگر.

زمانیکه برای جنایتکاران جنگی شناخته شده چون "مسعود- ربانی" القاب "قهرمانان جنگ و صلح" از کیسه عمو سام بخشیده شد و مقبره های آنچنانی با مصارف گزاف برای شان ساخته شد، چرا هیچ اعتراضی از هیچ کجائی برخواست؟

چرا همه خاموش بودند و هیچ عکس العملی در مقابل آن نشان داده نشد؟

باز هم زمانیکه جسد متعفن یک جنایتکار خونریز دیگر بنام "عبدالعلی مزاری" را به خاک سپردند و بعداً یک مقبره پُر مصرف درست در کنار مزار "شیر مردان" برایش اعمار نمودند و مردم را مجبور ساختند تا قبل از رفتن به "مزار علی"، سر تعظیم به قبر "بنده علی" فرود بیاورند، چرا صدای اعتراضی از هیچ جبهه برخواست؟

باردگر که لقب نامأنوس "قهرمان وحدت ملی" را به مرده آن "بنده علی" ارزانی داشتند، چرا هیچ کس در هیچ نقطه کشور و نیز در خارج از کشور، اعتراضی نکرد و مخالفتی در زمینه نشان داده نشد؟
آنگاه که خادیسیت بی سوادى را مقام "مارشال" ارزانی فرمودند و معاون ریاست جمهوری اش ساختند، چرا هیچ عکس العملی در مقابل آن بدعت نشان داده نشد؟

بعد ها که آن جنایتکار را گویا از زندگی ساقط ساختند و مرده گندیده اش را با کش و فش و مراسم نظامی بالای یک عراده توپ و بدرقه گارد "احترام" حمل کردند و در بلندای یک تپه دیگر چال کردند، چرا هیچ اعتراضی از هیچ کجای کشور صورت نگرفت؟

آنگاه که یک جنایتکار جنگی خونریز و وحشی بنام "رشید دوستم" مشهور به "گلم جم" را که در خدمت به اشغالگران روسی دمار از روزگار مردم دربند کشیده شده ما در سرتا سر کشور بدر آورد و از طرف متجاوزین روسی و پادوان بی همه چیز داخلی آن لقب "قهرمان جمهوری" دریافت و رژیم جهادی لقب "مجاهد کبیر" و "خالد بن ولید" از کیسه خلیفه بدو بخشید و "ستر جنرال" اش خواند، آن زمان البته که اعتراض کردن

به منزله سر را به کف دست گرفتن بود و هیچ حکومتی در کشور وجود خارجی نداشت؛ اما زمانیکه در رژیم های امریکانی باز هم مقام های بلند نظامی را به او سپردند، چرا هیچ اعتراضی در زمینه صورت نگرفت؟ در این حکومت "وحدت ملی" هم همان ملیشه جنایت پیشه "گلم جم" را آوردند و معاون اول رئیس جمهور ساختند، اما باز هم صدای هیچ اعتراضی از هیچ کجائی چه در داخل کشور و چه در خارج کشور بلند نشد که نشد.

اگر بخواهیم این لیست را ادامه دهیم، مثنوی هفتاد من کاغذ خواهد شد، اما همین کمی از بسیار و قطره از ابحار کافی تواند بود.

حال که برگردیم به کارروائی های یک مشت افراد بیکار و اجیر سرکار، میتوان یک کریدت به آنان داد و آنهم اینکه این یک مشت افراد بی کار و بی عار و سربرار و اشرار (آنانیکه شر می آفرینند)، هرچند در مدت بیشتر از ده ماه باهم گرد آمدند و باهم "اندیشیدند" و کله های خام شانرا تلاش کردند به کار اندازند؛ هرچند به مغز های از کار افتاده خود فشار آوردند، برگگی از برگ تکان نخورد که نخورد و عاقبت العمر به این نتیجه رسیدند که در بین آن همه جنایتکار و جنگجو و جنگ آور و جنگره و...، "حبیب الله کلکانی" نه تنها یک سر و کردن بالاتر است، بلکه بر همه آن جنایتکاران که در بالا ذکر خیری از آنان رفت، از هر نگاه چربی میکند.

آیا همین دیروز نبود که رئیس جمهور "حکومت وحدت ملی" با گارد امنیتی بی سرو پا و از راه هوا به غزنی تشریف فرما شدند و میدان هوائی غزنی را بنام جنایتکار جنگی مشهور "بنده علی" مسما ساختند، آیا "حبیب الله کلکانی" هزار مرتبه بر "عبدالعلی مزاری" شرف نداشت؟!

پس بگذارید هر چه جنایتکار و خیانتکار و دزد و غارت پیشه و جانی و زانی و قاچاقبر و قوماندان و امیر و آمر اند، در تپه های بلند زیر خاک روند و هر مرده و کشته شده تازه و یکصد ساله را از اینجا از خاک بدر کنند و به آنجا باردگر به خاک سپارند. هرکه را چهار روز نوبت اوست.

اگر قبول کنیم که هر جنایتکار دیروزی، قهرمان امروزی است، پس "حبیب الله کلکانی" هم از این قافله نباید عقب بماند.

اساس این بدعت تهوع آور در هفتم ثور ۱۳۵۷ گذاشته شد، در ششم جدی ۱۳۵۸ به وسعت بیشتر ادامه یافت، در هشتم ثور ۱۳۷۱ همه گیر گردید و از ۱۳۸۰ تا امروز به اوج خود رسید و بقایای اجساد "حبیب الله کلکانی" و یارانش را بعد از ۸۷ سال از خاک بیرون کردن و دوباره به خاک سپردن دیگر اوج فاجعه است.

از جانب دیگر چنین کار ناصوابی را میتوان یک توهین بزرگ به "حبیب الله کلکانی" و یارانش دانست، از دو جهت؛ یکی اینکه بعد از هشتاد و هفت سال یعنی بیشتر از هشت دهه، استخوانهای پوسیده را از خاک بیرون کردن، توهین به آن اجساد است (حال به هر کس یا کسانی که متعلق بوده اند) و دوی دیگر اینکه اگر آن "امیر" و "یارانش" نزد تان "محترم" بوده اند، آنان را به "مقام"، "جنگ سالارانی مانند "مسعود و ربانی و مزاری و فهیم" که به پیشیزی ارزش ندارند، تنزل دادن، توهین دیگری به آن "امیر" است.

ناگفته نباید گذاشت اینکه در این آشفته بازار که صدای خر به خاوند نمی رسد، ملیشه گلم جم داد از "افتخارات تاریخی" میزند و از کدام منبعی گویا دستور میگیرد که جلو خاکسپاری بقایای اجساد "حبیب الله کلکانی" و یارانش را بگیرند و...، یعنی اینکه بگفته مردم شریف افغانستان "چلنی به چلو صاف میگوید در گور سوراخ هایت".

و حرف آخر اینکه حال دیگر مهمانان خارجی اولتر از همه به "زیارت" کدام "امیر" و "آمر" و "قهرمان"
بروند و دسته گلی را حرام کنند؟!

یار زنده و صحبت باقی...

